

پیامبر یا رسول در لغت به معنی کسی است که با خدا در ارتباط باشد و به عبارت دقیقتر رابط بین خدا و مردم باشد. در جوامع و فرهنگ های مختلف پیامبری معنی و مظاهر متعددی دارد.

از دیدگاه ادیان ابراهیمی

از دیدگاه اسلام

از دیدگاه مسیحیت

از دیدگاه یهودیت

از دیدگاه تاریخی

از دیدگاه ادیان ابراهیمی

ادیان ابراهیمی پیامبران را اشخاصی می دانند، که از سوی خدا برگزیده شده و از طریق وحی با خدا در ارتباط هستند. آنها موظف به بیان و تبلیغ دین خدا برای مردمند.

از دیدگاه اسلام

قرآن در این باره می گوید: «و ما أرسلنا من قبلك من رسول الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون» «ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم: خدایی جز من نیست. پس تنها مرا پرستید.» (انبیاء، آیه ۲۵)

پیامبران نیز نظیر سایرین بشرند، زندگی می کنند و می میرند و تفاوت در این است که به آنها وحی می شود. قرآن در این باره می گوید: «قل انما انا بشرٌ مثلکم یوحی الیّ» «بگو جز این نیست که من هم انسانی مثل شما هستم، که به من وحی می شود.» (کهف، آیه ۱۱۰).

بنا بر باور پیروان دین های ابراهیمی، پیامبران ویژگی هایی دارند که به آنها قدرت انجام رسالت الهی را می دهد.

« پیامبر شخصی است که مستقیماً با خدا رویارو می‌شود [به معنای باطنی]... آنگاه آنها که پیامبر نیستند باید خود را به کلام الهی (غیبی) الهام شده به عنوان یک عقیده مسلم متعهد سازند. این امر می‌تواند مسأله ساز باشد، به ویژه از آن رو که پیامبران دروغین وجود دارند. [البته از دید مومنین پیامبران به دو دسته دروغین و راستین قابل تقسیمند و کفار و لا ادریان برای هیچ کدام اعتباری قائل نیستند.] وقتی پیامبری حقیقی انگاشته می‌شود، ممکن است دین جدیدی، مبتنی بر تعالیم وی و تفسیر آنها قبول گردد... مفهوم پیامبری مفهومی قدیمی است و در شماری از ادیان مهم می‌باشد. اوراکل های یونانی از مکان های مقدسی که پیش از ورود یونانیان به نواحی مجاور دریای اژه موجود بود، اخذ شده بود... نقش سخنگوی خدایان نقشی قدیمی در جهان هلنی [تمدن یونان باستان] است. در حالی که واژه (prophet) خود از یونان اخذ شده است، که واژه $\pi\rho\omicron\phi\eta\tau\eta\varsigma$ را برای ارجاع به یک مفسر یا سخنگوی یک خدا به کار می‌بردند...» [مثلاً مردم آتن به معبد دلفی رفته و درخواست یک معلم می‌کنند و سقراط به آنها معرفی می‌شود. ر.ک. prophet در ویکی پدیای انگلیسی]

دین به معنی خاص آن که مسلمانان و یهودیان دارند و مجموعه از قوانین فردی و اجتماعی عبادی و غیر عبادی دارد **ممکن است** در خارج از خاورمیانه نبوده باشد و آنها فقط آیین هایی برای پرستش و دفن اموات و طلب باران و مانند آن داشته اند. البته طبق اعتقادات مسلمانان تنها آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد شریعت داشته اند.

در یونان باستان یا تمدن هلنی مقصود از پیامبر افرادی بودند که در معابدی خاص نظیر معبد دلفی مستقر بودند و به اعتقاد یونانی ها به وسیله سروشی غیبی می توانستند پیشگویی کنند.

اما آنچه امروزه بیشتر به این معنا به کار می‌رود برگرفته از اعتقادات ادیان ابراهیمی است. در این ادیان خدا از طرقی با برخی از اشخاص برگزیده ارتباط برقرار می‌کند، که اصطلاحاً از آن تعبیر به وحی می‌شود و مختص به انبیا نیز نیست و در قرآن برای مادر موسی نیز به کار رفته است. اما پیامبران علاوه بر آن که از طرق باطنی و احیاناً ظاهری نظیر موسی پیامی را از خدا دریافت می‌کرده اند، وظیفه داشته‌اند آن را برای مردم نیز بیان کنند. طبق اعتقادات ادیان ابراهیمی این دسته از پیامبران برای آنکه در مقام مبارزه طلبی با منکران خود پیروز شوند، از اعجاز یا کارهای خلاف عادت طبیعی استفاده می‌کنند.

کردند؛ نظیر اژدها کردن عصا توسط موسی، زنده کردن مرده توسط عیسی و دو نیم کردن ماه توسط محمد. در واقع اعجاز برای اثبات صدق مدعی به مردم است و نه ادعا.

پیامبران نزد این ادیان به دو دسته تشریحی و تبلیغی تقسیم می شدند. پیامبران تشریحی صاحب شریعت بودند و آموزه‌های ارائه شده توسط آنها در قالب کتبی گردآوری می شده و اساس دین آنها را تشکیل می داده است. این پیامبران عبارتند از نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد و احیاناً آدم و داوود. اما سایر پیامبر مردم را به پرستش خدای یگانه و انجام برخی عبادات و امور و ترک برخی از امور دعوت می کردند، که بر اساس شریعت زمان آنها بوده است. ولی خود شریعت مستقلاً نداشته و کتاب و دین جداگانه‌ای نیآورده اند. بیشترین تعداد این پیامبران در میان بنی اسرائیل آمده اند. اما طبق بیان قرآن هیچ امتی نبوده مگر آنکه پیامبری داشته است. لذا از این دیدگاه پیامبر نبودن امثال زرتشت و بودا نیز نفی نمی شود.

برخی می پندارند پدیده وحی گرفتن یک قضیه مربوط به فرهنگ مردمان سامی است. چنانچه وحی را به معنای اخص آن یعنی القای معانی و عبارات مشخص دینی از جانب خدا بدانیم شاید بتوانیم این حرف را تایید کنیم. اما چنانچه وحی را ارتباط با باطن و غیب عالم از طرق غیر حواس پنجگانه و دریافت هر نوع معرفتی در نظر بگیریم، هر قوم و جامعه غیر مادی گرایی احتمالاً به نوعی به آن اعتقاد داشته و از آن در زندگی خود بهره می گرفته است.

بودائیان که اصولاً وجود خدا را انکار می کنند و به بیخدایی اعتقاد دارند آنها نیز بودا را یک آموزگار و یک انسان شایسته می دانند که سرزمین خود را در جهت کسب تعالی و انسانیت والاتر ترک کرد. در میان قبایل آفریقایی هیچکس ادعای اینکه از طرف خدا به وی وحی می شود و وی یک پیامبر است نکرده است.